

محرم آمد

تقویمی که به وقت دلتنگی کوک می‌شود



«وزارت علوم: از ۱۳ تا ۲۰ تیرماه هیچ آزمونی در کشور برگزار نمی‌شود.»

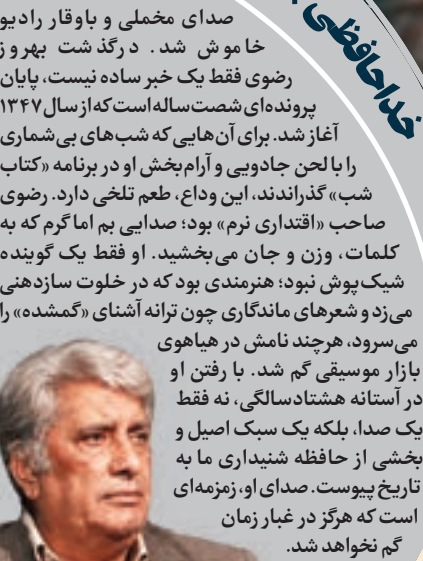
«سازمان تأمین اجتماعی: ثبت نام وام قرض الحسنه شصت میلیون تومانی بازنشستگان از تیرماه آغاز می‌شود.»

«اتاق بازرگانی ایران: به دلیل شرایط جنگی، صادرات خرما لغو شد.»

«وزارت جهاد کشاورزی: برای ایام محرم، برنج، شکر، روغن و گوشت تأمین شده است.»

خدا حافظی با قصه گوی شب‌ها

کلوز آپ



صدای مخملی و باوقار رادیو خاموش شد. در گذشت بهروز رضوی فقط یک خبر ساده نیست، پایان پرونده‌ای شصت ساله است که از سال ۱۳۴۷ آغاز شد. برای آن‌هایی که شب‌های بی‌شماری را با لحن جادویی و آرام‌بخش او در برنامه «کتاب شب» گذراندند، این وداع، طعم تلخی دارد. رضوی صاحب «اقتداری نرم» بود؛ صدایی بم اما گرم که به کلمات، وزن و جان می‌بخشید. او فقط یک گوینده شیک پوش نبود؛ هنرمندی بود که در خلوت سازدهنی می‌زد و شعرهای ماندگاری چون ترانه آشنای «گمشده» را می‌سرود، هرچند نامش در هیاهوی بازار موسیقی گم شد. با رفتن او در آستانه هشتادسالگی، نه فقط یک صدا، بلکه یک سبک اصیل و بخشی از حافظه شنیداری ما به تاریخ پیوست. صدای او، زمزمه‌ای است که هرگز در غبار زمان گم نخواهد شد.

سوء تغذیه ۳/۷ میلیون کودک در افغانستان

سازمان ملل: بحران سوء تغذیه در افغانستان به سرعت در حال وخیم‌تر شدن است و در سال ۲۰۲۶ میلادی، ۳/۷ میلیون کودک در این کشور با سوء تغذیه شدید مواجه خواهند شد.



دومینوی محافظت از روان نوجوانان



«شبکه‌های اجتماعی کودکان را غمگین می‌کنند»: این جمله کلیدی استارمر، نخست‌وزیر انگلیس است که از تصمیم مهم کشورش برای ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی برای افراد کمتر از شانزده سال پرده برداشت. انگلیس با این اقدام، در مسیر استرالیا (که در سال ۲۰۲۵ پیشگام این طرح بود) قدم گذاشت. هرچند منتقدان نگران دورزدن این ممنوعیت با فیلتر شکن‌ها هستند، اما استارمر این روز را برای بریتانیا بزرگ خواند. حالا دومینوی محافظت از روان نوجوانان به راه افتاده و کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و آلمان آماده پیوستن هستند.

وقتی آلودگی هوا به سوخت تبدیل می‌شود

دی اکسید کربن همیشه متهم ردیف اول گرمایش زمین بوده. اما چه می‌شد اگر این تهدید به فرصت تبدیل می‌شد؟ دانشمندان چینی پس از پنجاه سال بن بست علمی، بالاخره این معما را حل کردند. آن‌ها با طراحی یک کاتالیست نوآورانه که مراحل واکنش را تفکیک می‌کند، موفق شدند بازدهی تبدیل CO₂ به متانول را تا سه برابر روش‌های تجاری رایج افزایش دهند. این یعنی جهشی بزرگ به سوی سوخت‌های پاک و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی. شاید فردا، همین آلاینده‌های دردسرساز موتور محرک صنایع ما باشند.



پایان کوچ اجباری



پس از اعلام توافق صلح ایران و آمریکا و برقراری آتش بس در لبنان، هزاران لبنانی به سوی خانه‌هایشان در جنوب لبنان بازمی‌گردند. با کاهش تنش‌ها، تردد خودروها و رفت‌وآمد در این منطقه نیز در حال افزایش است.

روزی ۳۲۰ گرم نان، سهم هر ایرانی

ایران جزو کشورهایی است که بیشترین مصرف نان را دارند. بنابر داده‌های آماری کارگروه آرد و نان اتاق اصناف، ایرانی‌ها روزی ۳۲۰ گرم نان مصرف می‌کنند که این رقم در سال معادل ۱۶۰ کیلوگرم می‌شود.

۱۱۶٫۸ کیلوگرم

فوتبال ورزش غریب برای کانادایی‌ها!

در نقطه مقابل هیاهوی ستاره‌ها، ماجرای عجیب آلفونسو دیویس، ستاره نامدار کانادا، قرار دارد. او در اقدامی جالب، ویدئویی منتشر کرد که نشان می‌داد در خیابان‌های شهر و اطراف استادیوم قدم می‌زند و از کنار هوادارانی می‌گذرد که پیراهن تیم ملی با نام او را بر تن دارند؛ اما در کمال تعجب، هیچ‌کدام از این هواداران، چهره به چهره ستاره شماره ۱۹ تیمشان را نمی‌شناسند. این اتفاق، دقیقاً مهر تأییدی بر طعنه سنگین ژوزه مورینیو به مدیران فیفاست؛ جایی که به شدت انتقاد کرده بود چرا جام جهانی باید در کشورهایی برگزار شود که هیچ شور و فرهنگ فوتبالی عمیقی در آن‌ها وجود ندارد. این کلیپ دیویس نشان داد حق با آقای خاص است؛ وقتی تماشاچیان چهره ستاره کشورشان را نمی‌شناسند، یعنی فوتبال آنجا هنوز یک غریبه است.



وزن تازه ایران در معادلات منطقه‌ای

جنگ را آن‌ها تحمیل کردند، اما پیروزش ما بودیم

جمعه در سوئیس، توافق اولیه میان ایران و آمریکا امضا می‌شود تا «جنگ تحمیلی سوم» رسماً پایان یابد؛ جنگی که آغازگرانش با اهدافی بلندپروازانه وارد آن شدند، اما هیچ‌یک به سرانجام نرسید. فشارهای میدانی، به ویژه تنگنایی که ایران در تنگه هرمز ایجاد کرد، معادله را تغییر داد و آمریکا را پای میز مذاکره کشاند. نتیجه، تفاهمی شد که در آن حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شد، مسیر رفع تحریم‌ها گشوده شد و روایت‌های اولیه دشمن رنگ باخت. اتمام این جنگ که با مقاومت و هم‌بستگی ملت ایران همراه بود، گریز دشمن از مهلکه بود؛ اما برای ایران تثبیت جایگاه و موقعیت جهانی که ابرقدرتی تازه را به دنیا معرفی کرد.

اهرم هرمز: از نظریه تا ابزار واقعی قدرت

تنگه هرمز سال‌ها به عنوان یک «اهرم نظری» در تحلیل‌ها مطرح بود؛ اما این بار به ابزاری واقعی تبدیل شد که هزینه‌های ملموس بر اقتصاد جهانی تحمیل کرد. تغییر موضع‌های رسمی در واشنگتن و حتی اصلاح پیام‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، نشانه‌ای از همین فشار بود. بازگشایی تنگه در چارچوب تفاهم، نه عقب‌نشینی، که تثبیت یک واقعیت تازه است: امنیت انرژی منطقه بدون نقش‌آفرینی ایران ممکن نیست. استقبال دیپلرک سازمان ملل از توافق و ادعای برخی تحلیلگران غربی به تقویت راهبردی ایران، گواه تغییر توازن است.

درسی که جنگ دوباره یادآوری کرد

پیروزی در این جنگ تحمیلی، پیش از آنکه در متن توافق دیده شود، در میدان تثبیت شد. تجربه نشان داد هرچه توان نظامی بالاتر باشد، قدرت بازدارندگی بیشتر است و دشمن زودتر به محاسبه عقلانی



بازمی‌گردد. نه برای چشم‌پوشی از خون‌هایی که بر زمین ریخت، بلکه برای حفظ جان یک ایرانی بیشتر، باید این مسیر تقویت شود. انگشت روی ماشه یعنی هوشیاری دائمی؛ یعنی ساختن روزهای عادی‌تر برای مردم، با تکیه بر قدرتی که جنگ آن را آزمود. بی‌دلیل نیست که پس از این درگیری، بسیاری از کشورها به افزایش بودجه دفاعی روی آوردند؛ جهان فهمید امنیت، بدون بازدارندگی، شعاری بیش نیست.

دیپلماسی در سایه قدرت

تحولات ۲۴ ساعت پایانی نشان داد دیپلماسی وقتی اثرگذار است که پشتوانه میدانی داشته باشد. پس از حمله به ضاحیه و عبور از خطوط قرمز، ایران آماده پاسخ بود؛ اما رازینی‌های فشرده به تغییراتی انجامید که از جمله آن، برداشته شدن فوری محاصره دریایی و پایان عملیات نظامی در همه جبهه‌های لبنان بود. هم‌زمان، گزارش‌ها از آزادسازی نخستین بخش از منابع ارزی ایران حکایت دارد؛ گامی که پیام روشنی به بازارها داد. این تفاهم، نه پایان رقابت‌ها، که عبور از یک پیچ تاریخی است؛ جایی که ایران به جای تسلیم، با امضای یک سند سیاسی-امنیتی، وزن تازه‌ای در معادلات منطقه‌ای پیدا کرد. زمان، ثمره این روزها را روشن‌تر خواهد کرد.

محرم آمد...

تقویمی که به وقت دلتنگی کوک می‌شود

گاهی وقت‌ها، پیش از آنکه چشم‌هایمان تغییر تقویم را روی کاغذ یا صفحه‌گوشی ببینند، قلبمان ورزش یک نسیم متفاوت را حس می‌کند؛ نسیمی که خنکای آن، آمیخته با غمی غریب، اما شیرین است. خیابان‌ها کم‌رنگ عوض می‌کنند، پارچه‌های مشکی بر تن دیوارها می‌نشینند و ناگهان می‌فهمیم که دوباره به ایستگاه محرم رسیده‌ایم. محرم، صرفاً یک ماه در میان دوازده ماه سال نیست؛ یک جغرافیای روحی است. یک پناهگاه برای انسان خسته امروز که از هیاهوی جهان ماشین‌زده به دنبال نقطه‌ای برای آرامش و اتصال می‌گردد. در این پرونده ویژه، می‌خواهیم از زاویه‌ای دیگر به این رخداد شگرف نگاه کنیم؛ نه فقط به عنوان یک آیین تقویمی، بلکه به عنوان یک «دگرگونی درونی» که هزاران سال است نبض حیات معنوی انسان‌ها را تنظیم می‌کند. بیایید در این پنج پرده، مسافر قطاری باشیم که مبدأ آن دل‌های ما و مقصدش، خیمه‌ای در سال ۶۱ هجری است.

پرده اول

هلال اندوه؛ وقتی تقویم روی قلب‌ها سنگینی می‌کند

همه چیز از دیدن یک هلال باریک در آسمان تاریک شروع می‌شود. هلال محرم، مثل یک علامت هشدار، مثل یک یادآوری بزرگ است. در تاریخ، محرم پیش از آنکه با پرچم‌ها و خیمه‌ها آغاز شود، در آینه صورت اهل بیت (ع) نمایان می‌شد. امام رضا (ع) در روایتی لطیف و تکان‌دهنده، حال و هوای پدر بزرگوارشان را در این روزها چنین توصیف می‌کنند: «هنگامی که ماه محرم فرا می‌رسید، دیگر کسی پدرم را خندان نمی‌دید و اندوه و حزن پیوسته بر او غالب می‌شد تا روز دهم فرا رسد. روز عاشورا، روز مصیبت و حزن و گریه او بود.» این تغییر حال، یک پیام روشن دارد. محرم، یک مراسم خشک و خالی نیست که با بخشنامه و دستورالعمل اجرا شود؛ یک عزای کیهانی است. وقتی تقویم روی مدار محرم قرار می‌گیرد، گویی تمام ذرات عالم، از زمین تا آسمان، به حالت سکون و حزن درمی‌آیند. این سنگینی دلنشین که در روزهای اول محرم روی سینه حس می‌کنیم، پژواک همان اندوهی است که قرن‌ها پیش در دل معصومین می‌نشست. ما به این اندوه مبتلا می‌شویم تا یادمان نرود که انسان، موجودی است که می‌تواند برای بزرگ‌ترین فداکاری تاریخ، با تمام وجودش سوگوار باشد.

پرده دوم

کیمیای اشک؛ قطره‌هایی که کوه را جابه‌جا می‌کنند

در دنیای روان‌شناسی امروز، گریه گاهی نشانه ضعف، افسردگی یا تسلیم شدن است. اما اشکی که در خیمه محرم ریخته می‌شود، جنس دیگری دارد. این اشک، از جنس «کیمیا» است. چرا برای انسانی که ۱۴۰۰ سال پیش به شهادت رسیده، چنان می‌گرییم که گویی عزیزترین فرد زندگی‌مان را همین امروز از دست داده‌ایم؟ پاسخ را باید در معجزه این قطرات جست‌وجو کرد. در روایات ما، اشک بر سیدالشهدا (ع)، نه یک واکنش منفعلانه، که یک کنش به‌شدت فعال و تطهیرکننده است. فرموده‌اند قطره‌ای از این اشک، می‌تواند کوهی از آتش غضب الهی را خاموش کند و زنگار گناهان و روزمرگی‌ها را از روح انسان بشوید. این گریه، گریه یأس نیست؛ گریه بیداری است. وقتی قطره‌اشکی برای حسین (ع) از چشم می‌چکد، درواقع کینه‌ها، حسادت‌ها، تاریکی‌ها و ناامیدی‌ها هستند که از وجود ما خارج می‌شوند. ما با این اشک‌ها عزاداری نمی‌کنیم، بلکه دوباره متولد می‌شویم و نفس می‌کشیم.



پرده سوم

منشور عاشقی؛ قدم زدن در کلمات «ابن شیبیب»

اگر بخواهیم برای فهم محرم تنها یک متن، یک دستورالعمل و یک مانیفست داشته باشیم، بی‌شک آن متن، مکالمه عاشقانه امام رضا (ع) با یار دیرینه‌شان، ربان بن شیبیب است. این حدیث که به «حدیث یابن شیبیب» معروف است، گویی نامه‌ای است خصوصی و مهر و موم شده از سوی امام برای تک‌تک ما انسان‌های خسته و سرگشته. امام در کلماتی که مثل حریر نرم و مثل کوه استوار است، می‌فرماید: «یابن شیبیب! این کنت با کیا لشیء فابک للحسین...» (ای پسر شیبیب! اگر خواستی برای چیزی گریه کنی، فقط برای حسین گریه کن...). این جمله، مسیر تمام غم‌های دنیا را تغییر می‌دهد. امام به ما می‌آموزد که ظرفیت احساس و اشک انسان چقدر ارزشمند است و نباید برای هر غم حقیر دنیوی هدر برود. این منشور عاشقی به ما یادآوری می‌کند که وصل شدن به غم بزرگ حسین (ع)، ما را از غم‌های کوچک روزمره نجات می‌دهد. کلمات این حدیث، نقشه‌راهی است برای اینکه بدانیم در این ماه، چگونه قدم برداریم، چگونه بیندیشیم و چگونه دلتنگ باشیم.

پرده پنجم

بلیت این قطار کجاست؟ کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

حالا، ماییم و تقویمی که ما را به ماه خون و قیام رسانده است. ماییم و این هلال اندوه، این اشک‌های کیمیایی و این حرارت خاموش‌نشدنی. اما سؤال اصلی اینجاست: من انسان امروز، با تمام مشغله‌ها و گرفتاری‌هایم، بلیت ورود به این قطار را از کجا باید تهیه کنم؟ پاسخ در درک عمیق عبارت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» نهفته است. این جمله یک شعار تکراری نیست، یک «سبک زندگی» است. خیمه سیدالشهدا (ع)، در سال ۶۱ هجری جا نمانده است؛ این خیمه امروز در قلب هر انسان آزاده‌ای که در برابر ظلم، دروغ و تباهی می‌ایستد، برپاست. بلیت این قطار، بیداری ماست. وصل شدن به محرم، یعنی تمرین انسان‌بهبود. تمرین گذشت، تمرین آزادگی و ایستادگی بر سر حق. وقتی در مجالس عزای می‌نشینیم، در واقع داریم با فرمانده این خیمه بیعت می‌کنیم که در تاریکی‌های زمانه خودمان، چراغی روشن کنیم. محرم، فرصتی است تا دوباره جای خود را در جبهه حق پیدا کنیم و در خیمه‌ای به وسعت تمام تاریخ، آرام بگیریم.

پرده چهارم

دعوت نامه‌های نامرئی؛ محرم منبع گرمای معنوی

آیا تابه‌حال فکر کرده‌اید چه نیرویی باعث می‌شود هر سال، با همان شور و اشتیاق سال قبل، لباس مشکی به تن کنیم و راهی مجالس عزای شویم؟ هیچ‌کس در این دستگاه تصادفی حضور پیدا نمی‌کند. هیچ سیاهی لشکری در کار نیست؛ همه با «دعوت نامه‌های نامرئی» فراخوانده شده‌اند. پیامبر اعظم (ص)، رازی بزرگ را افشا کرده‌اند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْزُدُ أَبَدًا» (برای شهادت حسین حرارتی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود). این حرارت، همان موتور محرکه‌ای است که در گذر قرن‌ها، با وجود تمام موانع تاریخ را به جلو رانده است. این آتش، از جنس آتشی است که بر ابراهیم گلستان شد؛ نمی‌سوزاند، بلکه گرم می‌کند. جان می‌بخشد و روشنایی می‌دهد. ما در محرم به دنبال این منبع گرمایش معنوی می‌رویم تا در سرمای استخوان‌سوز دنیاخواهی و بی‌تفاوتی، یخ نزنیم.

